

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مهران زنگنه

۰۹ جنوری ۲۰۱۹

تحریم و توزیع نابرابر ثروت

در مورد این که تحریم یکی از ابزارهای پیشبرد سیاست‌های نئوکولونیال و ابزار سلطه امریکا در سطح جهانست شکی نیست و اهداف آن در مورد ایران نیز روشن‌اند. اما واقعاً آنطور که دولت جمهوری اسلامی اعلام می‌کند، مشکلات اجتماعی و خرابی وضع فرودستان به تحریم‌ها برمی‌گردند؟

بیانیم بپرسیم: اگر تحریم اثرات منفی برای اقتصاد در چارچوب جمهوری اسلامی دارد، که دارد، دولت جمهوری اسلامی چه نقشی در نحوه اثر منفی آنان بر زندگی گروه‌های اجتماعی مختلف دارد؟ در حالی که (به بیانی ساده بگوئیم) تحریم خراب را خرابتر می‌کند، مثلاً تورم را تشدید می‌کند رکود را عمیقتر و غیره، اما مسأله را ساده می‌کنیم و با فرضی غلط می‌گوئیم علت گرانی تحریم است و به نتایج فقط یک اثر تحریم، یعنی تورم می‌پردازیم.

بیانیم با توجه به شکل سرمایه‌دارانه توزیع نابرابر ثروت اثرات تحریم را بررسی بکنیم. توزیع نابرابر درآمد را همه می‌شناسند اما از ابعاد نابرابری همه کس با خبر نیست.

در ایران از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۶ بر اساس داده‌های آماری مربوط به نابرابری در سطح جهان^۱ یک درصد بالای جامعه ۱۶.۳ درصد و ۱۰ درصد بالای جامعه ۴۸.۵ درصد کل درآمد کشور را دریافت می‌کنند، حال آن که ۵۰ درصد پائین جامعه در همین دوره ۱۶.۸ درصد از کل درآمد را در اختیار داشته‌اند. یا برای وضوح بیشتر ساده بکنیم و بگوئیم ۱۰ درصد جامعه تقریباً ۵۰ درصد درآمد و ۹۰ درصد بقیه ۵۰ درصد درآمد را در اختیار دارند.

فقط با توجه به نحوه توزیع درآمد در ایران می‌توان گفت: برای ۱ درصد بالا اگر تورم در نتیجه تحریم ۱۰۰ درصد بشود باز آنها می‌توانند براضی از پس مخارج روزمره بر آیند چون این گروه بخش نسبتاً کوچکی از درآمدش را صرف مخارج روزمره می‌کند. اگر برای مثال ۱ درصد از درآمدش خرج روزمره می‌شود، در صورت چنین تورمی می‌تواند ۲ درصد از درآمدش را خرج مخارج روزمره بکند. ولی برای ۵۰ درصد پائین اگر تورم ۱۰۰ درصد که سهل است ۱۰ درصد افزایش بیاید کل ۵۰ درصد پائین اجتماع، که بخش اعظم درآمد خود و یا کل آن را صرف زندگی روزمره

^۱ <https://wid.world/country/iran/>

می‌کند، نه فقط از پس مخارج روزمره برنمی‌آید، بلکه زندگی گروهی از آنان در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد و اعضای این گروه ممکن است بمیرند. چرا مرگ؟

۵۰ درصد پائین جامعه نیز همگون نیست. در سال جاری ۱۳۹۷ گفته شده است: «۳۳ درصد از گروه‌ها و اقشار پائین در فقر مطلق به سر می‌برند.» «درآمد ۶ درصد از جمعیت کشور هزینه غذایشان را تأمین نمی‌کند.» یعنی «۶ درصد (...)

دچار گرسنگی هستند که این تعداد نزدیک به ۵ میلیون نفر است.»^۲ بیائیم فقط همین ۵ میلیون را در نظر بگیریم. می‌توان گفت: اینان محکومین به مرگ تدریجی در سایه تحریم و نحوه توزیع درآمد سرمایه‌دارانند.

می‌بینیم با وجود این لایه یک تفاوت کیفی در اثرات تحریم وجود دارد: در حالی که گروه‌های فرودست جانشان به واسطه تحریم به طور روزافزون در معرض خطر قرار می‌گیرد، به استثنای آن ۱۰ درصد بالا، سطح زندگی روزمره دیگران (البته نه به یک نسبت) کاهش می‌یابد. یعنی در اثر تحریم یکی از سطح زندگی‌اش کاسته می‌شود و دیگری حیاتش در معرض خطر قرار می‌گیرد. تنها همین یک تفاوت کیفی برای نشان دادن این که تحریم به لحاظ اجتماعی خنثی نیست کافی است و لازم نیست به سراغ تحلیل‌های پیچیده برویم. اما این که تحریم به لحاظ اجتماعی خنثی نیست و جان فرودستان در اثر تحریم به خطر می‌افتد چه ربطی به جمهوری اسلامی دارد؟ تشخیص ربط ساده است وجود لایه ۵ میلیونی محصول توزیع نابرابر ثروت است و دستاورد جمهوری اسلامی و نه تحریم. وجود این لایه است که تازه این امکان را به تحریم‌گر می‌دهد که زندگی کسی را به خطر بیندازد.

آیا توزیع نابرابر درآمد ربطی به تحریم دارد؟ به هیچ وجه. این جاست که نقش جمهوری اسلامی به عنوان حافظ و یکی از عوامل توزیع نابرابر درآمد و بنابراین نقش آن در توزیع نابرابر اثرات تحریم روشن می‌شود. می‌بینیم که حتی اگر تحریم مشکل آفریده است، اما نحوه توزیع درآمد است که در نهایت چگونگی اثر منفی آن را بر گروه‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کند. در واقع این توزیع نابرابر سرمایه‌دارانه درآمد است که باعث می‌شود که زندگی حداقل ۵ میلیون در معرض تهدید قرار بگیرد. می‌توان پرسید اگر توزیع درآمد عادلانه می‌بود تحریم می‌توانست زندگی کسی را تهدید بکند؟ جواب طبعاً منفی است. چرا؟ با توزیع درآمد عادلانه، یعنی اگر استثمار وجود نمی‌داشت، اصلاً آن گروه یا لایه ۵ میلیونی در ایران وجود نمی‌داشت تا اگر امریکا به منظور برقرار کردن رژیم کودتای پهلوی ایران را تحریم می‌کرد، کسی بخواهد جلوی قربانی شدن آن لایه را بگیرد.

بیائیم و به عراق دوره صدام نگاه بکنیم. در عراق نیز توزیع درآمد کم و بیش مثل ایران بود. مقایسه کنید: ۱۰ درصد بالا در ایران ۴۸.۵ درصد و در عراق بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ تقریباً ۵۲.۹ درصد کل درآمد کشور را در اختیار داشتند.^۳ با توجه به این امر می‌توان گفت:

۶۰۰-۵۰۰ هزار کودکی که در عراق جان باختند و گفته می‌شود قربانی تحریم عراق توسط امریکا و متحدانش شدند، در واقع قربانی فقط تحریم نشدند، بلکه قربانی تحریم امریکا و توزیع نابرابر سرمایه‌دارانه درآمد در رژیم صدام شدند. مطمئناً کودکانی که در عراق در اثر گرسنگی و عدم دسترسی به دارو و غیره مردند بچه بورژوا نبودند. دیده می‌شود که می‌توان با گفتن بخشی از حقیقت یعنی با گفتن تحریم موجب مرگ ۵۰۰ هزار کودکان عراقی شد، علت دیگر یعنی نقش توزیع نابرابر درآمد سرمایه‌دارانه (و نقش رژیم صدام به عنوان ضامن آن را) را در این مرگ و میر پوشاند،

^۲ ۱۸ فروردین [حمل] ۱۳۹۷ <https://www.isna.ir/news/97011804424/>

^۳ <https://wid.world/country/iraq/>

همانطور که امروز در مورد رژیم جمهوری اسلامی توسط طرفدارانش تبلیغ می‌شود وقتی گفته می‌شود تحریم علت مشکلات است. کل حقیقت در مورد کودکان عراقی عبارت است از: بوش و صدام دست در دست یک دیگر جان کودکان را گرفتند، همانطور که اکنون ترمپ با تحریم و جمهوری اسلامی با توزیع سرمایه‌دارانه درآمد دست در دست یک دیگر جان حداقل ۵ میلیون انسان را به خطر افکنده‌اند. بنابراین چه آنان که خواهان تحریم‌اند و تحریم می‌کنند و چه آنان که علت مشکلات را فقط تحریم و نه سرمایه‌دارانه بودن رژیم قلمداد می‌کنند، هر دو در واقع یک حرف می‌زنند: مرگ بر فرودست.